

کمی پیش از یک قرن پیش ساری اسکوفلد آمریکایی تحت تأثیر نظرات «جان داربی» انگلیسی اینجلمی نوشت که اکنون به «انجلمی پاان جهان» مشهور است. اینجلمی مبنای تئورپردازان سهون سیم مسیحی در باب آخرالزمان قرار گرفت. بعضی از مطالبی که در سابت «شطرنجی» با استفاده از پیشگوهای انجلمی پاان جهان آمده، به شرح زیر است: ضد مسیح (Christ Anti) او فرزند شطرنج است، اما تا ظهور مسیح به صورت عادی در میان مردم زندگی نکند. فردی متمول با ظاهری آراسته، و اهل سوریه است. بین 30 تا 50 سال سن دارد. نماد او عدد 666 - سمبل شطرنج - است. عضو برجسته اتحادیه اقتصادی اروپا، ای.سی.سی. (EEC)، است و در اقتصاد و سیاست جهانی نقش مؤثری به دست می‌آورد. پیش از فاش کردن چهره واقعی اش مدتی در یکی از کشورهای مصر، سوریه، عراق، ایران، یونان حکومت خواهد کرد. اقتصاد جهانی را به انحصار خویش در می‌آورد، و به قدری محبوب می‌شود که بعضی او را مسیح خواهند پنداشت. ضد مسیح (دجال) برای مخالفت با مسیح آمده می‌شود. و در آیندهای نزدیک خروج می‌کند. زمان خروج او دقیق و مشخص است. با ظاهری شطرنجی (دو صورت 180 درجه‌ای) از میان درها به روم می‌آید، بر اسراییل (فلسطین) مسلط می‌شود. و در اورشلیم ادعای خدایی خواهد کرد. او شطرنج را می‌پرستد. و جواهرات گران قیمت نثار می‌کند. پذیرش حکومت ضد مسیح از طرف اسراییل و دیگر ملت‌ها که ترس از عاقبت خود در کنار گذاشته و به دنبال خوشی و شادی هستند، برابر است با شروع مصائب مردم زمینی. مردم در عذاب خواهند بود، زیرا حکومت او را پذیرفته و بندها و شطرنج را می‌پرستند. دو نماینده از سوی خداوند گواهانی بر ظهور مسیح که آمدنش را نودمیده‌اند و آغاز جنگی بزرگ را به مردم اخطار می‌کنند از مالاندوزی، بت‌دش و شطرنجی بر حذر می‌دارند و به پرستش خدای کتاندعوت می‌کنند تا عقل و خرد را جای عصیان و سرکشی نبشاند. آنها قلب پدران را بر روی فرزندان و قلب فرزندان را بر روی پدرانشان می‌گشایند. و مردم را برای ظهور مسیح آماده می‌کنند. آنها ثابت می‌کنند که ضد مسیح هیچ قدرتی ندارد. و خدای دروغ‌بین است. و عاقبت پس از 1260 روز کشته می‌شوند. آنها باز از مرگ متولد می‌شوند. و به سوی بهشت پرواز می‌کنند. دوران بدبختی‌های بزرگ حکومت ضد مسیح 7 سال به طول می‌انجامد. نیمه دوم این هفت سال «دوران بدبختی‌های بزرگ» نام گرفته است. و نفرت و فلاکت جهان را می‌گیرد. در این دوران ایران، روسیه و سایر کشورها به اسراییل حمله می‌کنند. در این جنگ یک چهارم مردم جهان نابود می‌شوند. و سپس مسیح ظهور می‌کند. نشانه‌های ظهورش همچون صاعقه، طوفان، زلزله و آتشفشان در زمین و آسمان آشکار می‌شود. وقتی زمین لرزد، آسمان می‌غرد، و کوه‌ها از هم می‌گسلند، مردم مملکت خود را ترک کرده با وحشت در پی مأمی خواهند بود. جنگ‌های آرمگدون و پاان بدبختی مسیح و قدسانش باز روی شگرف از آسمان فرود می‌آیند. و ضد مسیح و امیر دروغ‌بین را در آتش نابود می‌کنند. دشمنان خدا تسلی می‌شوند. بسیاری از جمعی جهان کشته می‌شوند و عده‌ای قلمی باقی می‌مانند. پرندگان اجساد مردگان را می‌خورند آسمان می‌بارد، و زمین از بدیها پاک می‌شود. فرشت‌های از بهشت به زمین می‌آیند تا شطرنج را به زنجیر کشد و شطرنج به مدت هزار سال اسیر خواهد بود. و این هزاره صلح است که قانون خداوند اجرا می‌شود. و پادشاه‌های زمین در اختیاری قرار می‌گیرد. شمارش معکوس برای آخرالزمان (آپوکالپس) براساس زمانبندی پروژه «پاان جهان» که از سال 2000 آغاز گشته و ما در میانه آن قرار داریم سهون سبتها تلاش می‌کنند تا پیش از سال 2007 سرزمین‌های دیگر را «بابل» و اسراییل یعنی «سوره کنونی» را تسخیر کنند. آنها با می‌توانند در سال 2007 مسجدالاقصی و «قبةالصخرة» را تخریب و «معبد بزرگ یهود» را در محل آن بنا کنند. تا جنگ آرمگدون وارد مرحله پایانی شود. آنچنان که در سابتها شان اعلام کرده‌اند، قطعات پیش ساخته معبد بزرگ مدتهاست آماده شده تا در سرعترین زمان به جای مسجدالاقصی نصب شود. سهون سبتها همچون موفق شده‌اند گوساله سرخمی را به عنوان سمبل قوم یهود پرورش دهند که قرار است در معبد بزرگ قربانی کنند تا ظهور دولت بزرگ یهود در جهان رسمیت پیدا کند. اکنون زمان چنان فشرده است که هیچ کس اجازه ندارد فرصت‌های خود را برای کسره شدن کار جهان از دست دهد. پیش از هر جا دولت بوش محلی است که همه سهون زم مسیحی با همه سهون زم یهودی دست داده است تا آپوکالپس پروژه آخرالزمان به سرانجام رسد: در نبردی خونین اهل جمعه (امت محمد ص) و اهل شنبه (امت موس ح) یکدیگر را نابود کنند تا جهان به دست اهل کشنبه (امت عسح) که به زعم سهون زم مسیحی مؤمنان اهل نجات محسوب می‌شوند، افتد. نکته پایانی در پیشگوهای سهون زم مسیحی حققت به ظرافت تخریف شده است. خاصه وقتی با ادبای آخرالزمانی اسلامی و شعی می‌مقاسه شود، آشکارتر می‌شود. از اینرو مطالعه تطبیقی آموزه‌های پاان جهان در حوزه ادیان و فرق مذهبی و نقد و تحلیل هر یک ضروری می‌نماید. که ورود به آن فرصتی دیگر می‌طلبد. اما آنچه در این مختصر قابل ذکر است اینست که دوست و دشمن تقریباً به یک اندازه از منجی سخن می‌گویند. و حرف «موعود» کاملاً بر سر زبان‌ها افتاده است. و آنچه به تازگی گفته می‌شود، نزدیکی ظهور است. زمانی بسیار نزدیک. توجه به وضع جهان علاوه بر علاقه سنتی ظهور منجی که در متون دینی آمده، نشانه‌های مدرن ظهور را مشخص می‌کند که بزرگترین آنها «امکان جهانی شدن» اقوام و ملل و کم رنگ شدن مرزهای سیاسی کشورها به لحاظ رواج تکنولوژی ارتباطات در کل عالم است که به عنوان بستر حکومت جهانی

منجی ارزایی می‌شود. دگری «سازماندهی جهانی ظلم» و تک‌قطبی شدن جهان به دست اشرار عالم است که در زمانه ما اتفاق افتاده و بدیهی است «عدلی جهانی» با مدت آنرا جبران نماید. و این بار صهیونیسم محی در جاری شدن امر خداوندی اصرار و تعجل دارد شاید با مسامحه بتوان گفت: اگر دعای مظلومین تاکنون سبب ظهور منجی نشده است، باشد که از این پس زاده‌خواه‌های ظالمان ظهور موعود را جلو اندازد. پس شایسته است منتظران به هوش باشند حداقل به هوش اری دشمن. چه، صهیونیست‌های مسیحی مدانند که متقین وارث جهان خواهند بود. از این رو تمام امتها به ویژه امت محمد(ص) را به انواع فسادها و رذایل مبتلی کرده‌اند. و خود ظاهراً راه تهنید و تنزه پیش گرفته‌اند تا در کار عاقبت جهان جزو برگزیدگان باشند. جدیت آنها در دشمنی همان قدر عجیب و عبرت‌آموز است که غفلت بزرگ امت‌های پامبران و حتی شیعیان که از این بخبری و ناهوش‌اری بنصیب نرسیدند. این اشعار در کتاب تباشر المحرورین از محمدالدین ابن‌عبری (قرن هفتم) نقل شده است: إِذْ اتَّحَدَّالْهُودُ مَعَ النَّصَارَى هِنْكَامَى كَهْ هُودُ وَ نَصَارَا مِتَّحَدَّ شَدْنَدُ وَ طَارُوا بِالْحَدِّ عَلَى الْبُرُوجِ بِرَبَالَا پُرَوَاز كَرْدَنْد بَا آهَنْهَا (هواپماها)؛ وَ الضَّحَى الْمَسْجِدَ الْاَقْصَى اَسْ رَا وَ مَسْجِدَ الْاَقْصَى كَرَفْتَار شَدْ؛ وَ صَارَا الْحَكَمَ مَعَ ذَاتِ الْفُرُوجِ وَ زَنْهَا حَاكَمَ شَدْنَدُ؛ وَ نَارُ فِی الْخَلِجِ لَهَا سَعَرٌ آتَشِی دَر خَلِجِ شَعْلَهُور مِ شُودُ؛ وَ حَكَمَ بِالْحِجَازِ مَعَ الْعُلُوجِ وَ پَادشاهی دَر حِجَاز بَا مَرْدَانِ پَسْت مِ شُودُ؛ وَ فِی الْحَرْبِ الْكُوكَبِ سَوْفَ تَقْنِی دَر جَنْكِ سِتَارْگَانِ زُود فَا نِی مِ شُونَد عَوَا صَمَهْمَ مَعَ زَمْتِ الْخَلِجِ پَا تَخْتِ آنْهَا بَا رُوغْنِ خَلِجِ (نفت) فَا نِی مِ شُودُ؛ وَ اَجُوجُ وَ مَاجُوجُ تَفَانُوا اَجُوجُ وَ مَاجُوجُ فَنَا (کشته) مِ شُونَدُ؛ وَ صَا حَاوَا اَبْحَارِ الدَّمِ هِ جِی فَرَادَمِ زَنْدَای دَر اَهایِ خُونِ بَه هِ جَانِ دَر آدَمِ؛ وَ قُلْ لَاعُورِ الدِّجَالِ هِ اءِ بَگَوَایِ دِجَالِ لُوحِ آمَادَه بَاشْ فَقْدَانِ الْاَوَانِ اِلَى الْخُرُوجِ وَ قَتِ خُرُوجَتِ نَزْدِ كَمِ شُدِه مَاهَنَامَه مَوْعُودِ شَمَارَه 56